

بی‌ثباتی در حوزه دریای سرخ

دکتر اصغر جعفری ولدانی

یک دولت موقت به ریاست «ایسایاس افوار کی» تشکیل دادند و اعلام کردند که تا ۲ سال آینده مقدمات یک «همه‌پرسی» را برای استقلال از اتیوپی فراهم خواهند کرد. دولت موقت اتیوپی که از یک سو در مقابل یک عمل انجام شده در اریتره قرار گرفته بود و از سوی دیگر با توجه به کمکهای مبارزان اریتره به مبارزان اتیوپی و اتحاد با آنها، اقدام به تشکیل کنفرانسی در لندن تحت ریاست معاون وزارت امور خارجه آمریکا در امور آفریقا به نام «کنفرانس و دموکراسی» با شرکت مبارزان اریتره نمود. در پایان این کنفرانس اعلامیه‌ای صادر شد و براساس آن موافقت شد که یک دولت موقت در اریتره تشکیل گردد و مقدمات یک «همه‌پرسی» را تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی و نمایندگان کشورهای مختلف برای استقلال یا الحاق به اتیوپی در سال ۱۹۹۳ فراهم آورد.^۱

به دنبال آن، روابط دو کشور گسترش یافت. در سال ۱۹۹۲ که ملس زناوی درگیر مبارزه با مخالفان خود بود، اریتره در حدود ۲۰ هزار نفر از نیروهای نظامی خود را برای کمک به وی به اتیوپی اعزام نمود. سپس در آوریل ۱۹۹۲ با میانجیگری آمریکا و اریتره آتش‌بس میان طرفین برقرار شد. با استقلال اریتره، اتیوپی دسترسی خود به دریای سرخ را از دست داد و در خشکی محصور گردید. مبادلات تجاری اتیوپی با دریای سرخ از طریق بندر عصب متعلق به اریتره صورت می‌گرفت. لذا در ژانویه ۱۹۹۲ یک قرارداد در خصوص ترانزیت و استفاده از بنادر اریتره بین این کشور و اتیوپی به امضاء رسید. براساس این قرارداد، بندر عصب یک بندر آزاد برای اتیوپی شناخته شد و مقرر گردید که تمام عوارض بندری به بیر، واحد پول اتیوپی پرداخت شود.^۲ در سال ۱۹۹۲ حدود ۹۴ درصد از محموله‌های این بندر به مقصد اتیوپی بوده است. گرچه اریتره کنترل کامل بندر و امور مالی آن را در

حوزه دریای سرخ در چند سال گذشته شاهد بی‌ثباتی نگران‌کننده بوده است. کشورهای این منطقه اکثراً با یکدیگر کشمکش و منازعه داشته‌اند. در سال ۱۹۹۸ بر خوردهای نظامی شدیدی بین اتیوپی و اریتره رخ داد. در سال ۱۹۹۵ نیروهای اریتره طی یک برخورد نظامی دو جزیره یمن را در دریای سرخ تصرف کردند. در سال ۱۹۹۶ جنگ داخلی سومالی به اتیوپی نیز کشیده شد و برخوردهایی بین نیروهای دو کشور رخ داد. نیروهای نظامی یمن و عربستان نیز چند بار با یکدیگر درگیر شدند. عربستان در سال ۱۹۹۸ دو جزیره یمن را در دریای سرخ طی یک برخورد نظامی به اشغال خود درآورد. سودان هم با اکثر همسایگان خود درگیر منازعه بوده است. بخشی از این منازعات و درگیری‌ها در شماره‌های گذشته اطلاعات سیاسی - اقتصادی تحت عنوان بحران در روابط سودان با همسایگان آن شرح داده شد. در این شماره منازعات اریتره و اتیوپی، اتیوپی و سومالی، یمن و اریتره، و یمن و عربستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

منازعات اریتره و اتیوپی

تا مه ۱۹۹۱، اریتره بخشی از اتیوپی بود. در این زمان رزمندگان اریتره، اسمره مرکز اریتره و شهر بندری عصب را به تصرف درآوردند. آن‌ها سپس همراه مبارزان اتیوپی به سوی آدیس‌آبابا پایتخت اتیوپی پیشروی کردند و در ۲۸ ماه مه ۱۹۹۱ وارد این شهر شدند و به حکومت ۱۴ ساله نظامیان پایان دادند. مبارزان اتیوپی یک دولت موقت تشکیل دادند و ملس زناوی را به‌عنوان رئیس دولت موقت انتخاب کردند. همزمان، مبارزان اریتره نیز

جدیدی برگزید. این مسأله نقض توافقه‌های گذشته بود و در نتیجه با مخالفت اتیوپی روبرو شد. در مقابل، اتیوپی اعلام کرد که از آن پس معاملات دو کشور باید بر اساس ارزش‌های معتبر بین‌المللی انجام شود. اریتره که از نظر ارزش‌های قوی در تنگنا بود، بنادر عصب و مساوارا که شریان حیاتی اتیوپی بود به روی آن کشور بست.^۶ اتیوپی نیز شروع به اخراج اتباع اریتره از کشور خود نمود.

اختلاف دیگری که بین دو کشور بروز کرد در مورد مرزها بود. ایسایاس افوارکی رئیس‌جمهور اریتره در مصاحبه با نیوزویک در مورد کشمکش با اتیوپی و این که چرا در حال حاضر آغاز شده گفت:

«مرز میان دو کشور ۹۰ سال پیش طی قراردادی میان ایتالیا و اتیوپی مشخص شد، ولی اکنون اتیوپی معتقد است که مرزها مشخص نیست. سال گذشته اتیوپی نقشه‌ای چاپ کرد که قسمت‌هایی از خاک ما را جزو سرزمین خود کرده بود. سربازان اتیوپی مکرر در این مناطق نفوذ کرده‌اند، به این امید که برای خود ایجاد حق کنند.»^۷

درواقع، اختلافات مرزی دو کشور ریشه در مرزهای مبهمی دارد که کشورهای اروپایی تعیین کرده‌اند. کشورهای اروپایی مرزهای کشورهای آفریقایی را بر اساس منافع نظامی و ژئوپولیتیک خود تعیین می‌کردند. در مواردی نیز کشورهای اروپایی بدون آگاهی دقیق از جغرافیای منطقه، مرزها را ترسیم می‌کردند. لردسالیسبوری در مورد تعیین مرزها در آفریقا گفته بود «ما نقشه مناطقی را ترسیم کردیم که پای هیچ سفیدپوستی به آنجا نرسیده بود. ما کوه‌ها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را به یکدیگر می‌بخشیدیم، صرفاً به این خاطر که نمی‌دانستیم کوه‌ها، رودها و دریاچه‌های مذکور دقیقاً در کجا واقع شده‌اند.»^۸

در برخی موارد نیز تقسیم سرزمین‌ها بر اساس ساده‌ترین قواعد و بدون در نظر گرفتن عوامل آماری، قومی و نقشه‌برداری انجام می‌شد. بر همین اساس، ۴۴ درصد از مرزهای آفریقا به صورت خطوط مستقیم است. معمولاً مرزهای آفریقا را تصادفی و خودسرانه می‌خوانند. همان‌گونه که «سعدیه تووال» می‌گوید، مرزهای آفریقا بدون کمترین توجه به مقتضیات و اوضاع محلی تعیین گردیده است. به عبارت دیگر، به گفته «بواهن»، در تعیین مرزها، واقعیات قومی-فرهنگی-جغرافیایی و محیطی آفریقا در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل هر یک از کشورهای مستقل آفریقا، به علت تصنعی بودن مرزهای قاره، گروه‌های قومی، فرهنگی و ملیت‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد که فرهنگ‌ها و سنن متفاوتی دارند و به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند. ریشه‌های کشمکش و بحران‌ها در شاخ آفریقا در همین مسأله باید جست. لردکرزن گفته است: «در واقع امروزه مرزها به پرتگاه‌هایی می‌مانند که مسأله جنگ و صلح یا مرگ و زندگی ملت‌ها بر فراز آن‌ها معلق است.»^۹

گذشته از ابهامات موجود درباره مرزها، کینه فروخفته دو کشور نسبت به یکدیگر را نیز باید در نظر گرفت. این مسأله ریشه در

دست‌گرفت، مقامات گمرکی اتیوپی به کار خود در این بندر ادامه دادند. همچنین قرار شد خطوط کشتیرانی اتیوپی از بنادر مساوا و عصب همچنان استفاده نمایند.^{۱۰}

از سوی دیگر، از ۲۳ تا ۲۵ آوریل ۱۹۹۳ تحت نظارت نمایندگان سازمان ملل و برخی کشورها در اریتره همه‌پرسی برگزار گردید و ۹۹/۸ درصد مردم اریتره به استقلال آن کشور از اتیوپی رأی دادند. در مراسم جشن‌های استقلال اریتره ملس‌زنایو نخست‌وزیر اتیوپی نیز شرکت کرد. این مراسم در میدانی که در سال ۱۹۶۱ جنگ مسلحانه آزادیبخش توسط «حامداواته» در آن آغاز گردید و به نام میدان اول سپتامبر نام‌گذاری شده، شروع گردید. در این مراسم ایسایاس افوارکی رئیس‌جمهور اریتره ضمن سخنرانی اظهار امیدواری کرد که روابط اریتره و اتیوپی روز به روز دوستانه‌تر و مستحکم‌تر شود. بعد از وی ملس‌زنایو رئیس‌جمهور اتیوپی سخنرانی کرد و پشتیبانی کشورش را از استقلال اریتره اعلام و بر همکاری‌های همه‌جانبه با آن تأکید کرد. وی با اشاره به سال‌های آخر جنگ و همکاری دو طرف با یکدیگر در از بین بردن دشمن مشترک، اظهار نمود که در نظر دارد روابط دو جانبه را هر چه بیشتر توسعه دهد و دوستی میان دو کشور را استحکام بخشد.

در ژوئیه ۱۹۹۳ رئیس‌جمهور اریتره از اتیوپی دیدار کرد. در پایان این دیدار دو کشور یک قرارداد دوستی و همکاری امضاء کردند. دو کشور همچنین تمایل خود را به ایجاد یک منطقه اقتصادی اعلام نمودند. در این راستا اریتره، بیر واحد پول اتیوپی را برای خود انتخاب کرد. دو کشور موافقت کردند که کمیسیون مشترک وزیران برای بررسی توسعه همکاری‌های اقتصادی تشکیل شود. در سپتامبر ۱۹۹۳ کمیسیون مشترک دو کشور در اسمره تشکیل شد. این کمیسیون ۳ کمیته مشترک برای بررسی مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل داد. در پایان نشست کمیسیون مشترک دو کشور چند پروتکل به امضاء رسید که مشعر بر اتخاذ سیاست‌های اقتصادی هماهنگ و عبور آزاد مردم دو کشور بود. همچنین موافقت شد که مردم دو کشور بتوانند با کارت شناسایی و بدون روادید آزادانه به کشورهای یکدیگر مسافرت و در آنجا کار یا اقامت کنند. بعلاوه دو کشور در زمینه ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ، از بین بردن فقر و بازسازی و تحکیم پایه‌های اقتصادی توافق‌هایی به عمل آوردند. در زمینه سیاست خارجی نیز بر هماهنگی و اتخاذ مواضع مشترک تأکید کردند.^{۱۱} به طور کلی در سال ۱۹۹۳ ایسایاس افوارکی رئیس‌جمهور اریتره ۳ بار از اتیوپی دیدار کرد که این امر بیانگر توسعه روابط دو کشور بود.

اما از مه ۱۹۹۸ روابط دو کشور تیره شد و برخوردهایی نظامی بین آن‌ها روی داد. اختلافات دو کشور مربوط به مسایل پولی و مرزی بود. به طوری که گفته شد، اریتره در سال ۱۹۹۳ واحد پول اتیوپی به نام «بیر» را برای کشور خود انتخاب کرده بود، اما در سال ۱۹۹۸ واحد پول

احساسات ناسیونالیستی و جنگ‌های داخلی طولانی آن‌ها با یکدیگر دارد. گرچه حمایت رزمندگان اریتره از شورشیان ضددولتی اتیوپی، سقوط «هایله ماریام» را در بهار ۱۹۹۱ در پی داشت، و گرچه اتیوپی اولین کشوری بود که حکومت مستقل اریتره را به رسمیت شناخت، ولی مردم اتیوپی و بسیاری از دولتمردان آن کشور همواره به اریتره به‌عنوان بخشی از خاک اتیوپی می‌نگرند و دولتمردان حاکم بر آن را عواملان تجزیه‌اتیوپی تلقی می‌کنند.

این کینه‌فروخته در مه ۱۹۹۸ آشکار شد. در این ماه نیروهای نظامی اریتره در جریان حمله نظامی به اتیوپی ۵۰ کیلومتر در داخل خاک آن کشور پیشروی کردند. آن‌ها منطقه مرزی «باده» را اشغال کردند و به شهر «شیرارو» رسیدند. ۱۰ اسمره در توجیه این تجاوز اعلام کرد که این حملات در پاسخ به خسارات ناشی از تهاجم اتیوپی به اریتره بوده است. تهاجم اریتره به دنبال برخوردهای نظامی دو کشور در هفته پیش از آن روی داده بود.

در ژوئن ۱۹۹۸ برخوردهای مرزی به نبردهای هوایی کشیده شد. هواپیماهای نظامی اریتره چندبار شهر «ادیگرات» در شمال اتیوپی را بمباران کردند. در این حوادث دستکم ۴ نفر کشته و تعداد بسیاری مجروح شدند. مقامات اریتره اعلام کردند که بمباران شهر ادیگرات به منظور از بین بردن امکانات تقویت نیروهای اتیوپی در این منطقه استراتژیک و گرفتن هر نوع فرصت از آن برای استقرار نیروهای تازه‌نفس بوده است.^{۱۱} به دنبال آن، هواپیماهای نظامی اتیوپی چند بار به اسمره پایتخت اریتره حمله کردند. در یکی از این حملات دستکم ۴۴ نفر کشته شدند؛ همچنین ۳ فروند از هواپیماهای اتیوپی توسط نیروهای اریتره سرنگون گردید.

با تشدید درگیری‌ها، آمریکا و رواندا برای پایان دادن به خونریزی میانجیگری کردند. «سوزان رایس» معاون وزارت خارجه آمریکا در امور آفریقا در رأس هیئتی از اتیوپی و اریتره دیدار کرد. اتیوپی طرح صلح آمریکا را پذیرفت، اما اریتره آن را رد کرد. ملس زناوی نخست‌وزیر اتیوپی در این مورد گفت: «ما به آنچه میانجیگران و سازمان وحدت آفریقا از ما خواسته بودند عمل کردیم و اکنون نوبت اریتره است که به تقاضای آنان پاسخ گوید.» وی افزود در صورتی که اریتره میانجیگری سازمان وحدت آفریقا، رواندا و آمریکا را نپذیرد، ما به‌طریقی که خودمان تشخیص می‌دهیم، در زمان مناسب تلافی خواهیم کرد. وی اریتره را متهم کرد که علیرغم توافق دوجانبه در مورد ایجاد کمیته مشترک برای بررسی علل درگیری‌های مرزی، به خاک اتیوپی تجاوز کرده است. وی اضافه کرد اریتره باید ایده «ضربه نخست و سپس گفتگو» را کنار بگذارد.^{۱۲}

پس از تشدید درگیری‌ها، دولت اسمره اعلام کرد که اتیوپی ۱۵ هزار نفر از اتباع اریتره را دستگیر و ۱۰ هزار نفر از آن‌ها را اخراج کرده است. دولت اتیوپی نیز اعلام نمود که نیروهای اریتره بیش از ۴

هزار نفر غیرنظامی اتیوپی را پس از محروم کردن آن‌ها از اموالشان و شکنجه اخراج کرده‌اند. یک هزار نفر از این افراد در بندر عصب کار می‌کردند که از کار برکنار و اخراج شدند. ۵۳۰ نفر دیگر نیز توسط اریتره بازداشت شدند. پس از شکست طرح صلح آمریکا و رواندا، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای خاتمه دادن به درگیری‌ها مداخله کرد. شورا درگیری‌های اتیوپی و اریتره را تقبیح نمود و از دو کشور خواست هرچه زودتر آتش‌بس برقرار کنند. «آتونیومو نیترو» رئیس پرترغالی شورای امنیت پس از جلسه مشورتی شورا، بیانیه‌ای قرائت کرد و گفت اعضای شورا از اتیوپی و اریتره مصرانه خواسته‌اند تعهد خود را نسبت به حل مسالمت‌آمیز منازعه نشان دهند. شورای امنیت ضمن تأیید بیانیه دبیر کل و استقبال از تلاش‌های میانجیگرانه سازمان وحدت آفریقا، از اتیوپی و اریتره خواست با این تلاش‌ها همکاری کنند.

با شدت گرفتن درگیری‌های نظامی، شورای امنیت در ژوئن ۱۹۹۸ قطعنامه شماره ۱۱۷۷ را به اتفاق آراء صادر کرد. در این قطعنامه از اتیوپی و اریتره خواسته شد که فوراً به عملیات نظامی پایان دهند. همچنین مقرر شد که «کوفی آنان» دبیرکل سازمان ملل متحد برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور اقدام کند. در این قطعنامه بویژه از «آنان» خواسته شده بود که به دو کشور برای ترسیم مرزهای آن‌ها کمک‌های فنی ارائه دهد.

در اوت ۱۹۹۸ به دنبال تلاش‌های میانجیگرانه سازمان وحدت آفریقا، نمایندگان دو کشور در پایتخت بورکینافاسو گرد آمدند. اریتره اعلام کرد که نیروهایش را از منطقه مورد منازعه عقب خواهد کشید. اتیوپی این اقدام را به‌عنوان پیش شرط آغاز مذاکرات مستقیم با اریتره تعیین کرده بود.

مذاکرات دو کشور ادامه دارد، اما در صورتی که راه‌حل واقعی منتج خواهد شد که اریتره نیاز حیاتی اتیوپی را برای دسترسی به دریا در نظر گیرد. در غیر این صورت هرگونه راه‌حلی که این ضرورت جغرافیایی را نادیده انگارد، به‌طور قطع محکوم به شکست خواهد بود و کشمکش را میان دو کشور دائمی خواهد کرد. این مسأله با توجه به فقر دو کشور، عقب افتادگی اقتصادی آن‌ها را بیشتر خواهد کرد.

اریتره و اتیوپی از فقیرترین کشورهای آفریقای هستند. درآمد سرانه اریتره بین ۷۵ تا ۱۵۰ دلار آمریکا و درآمد سرانه اتیوپی در حدود ۱۰۰ دلار آمریکا است و دومین کشور فقیر در جهان است.^{۱۳} جنگ‌های ۳۰ ساله اتیوپی و اریتره زیربنای اقتصادی دو کشور را از میان برده است. کارخانه‌های صنعتی ویران شده، کشتزارها بویژه در اریتره در اثر تردد تانک‌ها به بیابانهای واقعی و اراضی سوخته تبدیل شده است. جاده‌ها در اثر سال‌ها حمل و نقل وسایل سنگین نظامی تخریب شده است. خشکسالی نیز مزید بر علت بوده و به قحطی و گرسنگی در دو کشور کمک کرده است. لذا جنگ و برخورد به‌صلاح این دو کشور

به عضویت جامعه عرب در آمد. در جنگ اوگادن عربستان کمک‌های مالی در اختیار سومالی قرار می‌داد. مصر و ایران نیز برای دولت سومالی اسلحه می‌فرستادند. در این میان، یمن جنوبی و لیبی نیز از اتیوپی پشتیبانی می‌کردند. سربازان کویایی به ارتش اتیوپی در جنگ یاری می‌دادند و اسرائیل که با اتیوپی روابط نزدیکی داشت، از آن کشور حمایت می‌کرد.

در ابتدای جنگ ارتش سومالی به سرعت در خاک اتیوپی پیشروی کرد و قسمت عمده اوگادن را اشغال نمود، اما پس از رسیدن تسلیحات شوروی و دخالت سربازان کویایی، ارتش سومالی از اوگادن عقب‌نشینی نمود. به این ترتیب تلاش‌های سومالی برای تجزیه اوگادن ناکام ماند.

دومین تلاش سومالی برای تجزیه اوگادن در سال ۱۹۸۰ صورت گرفت. در این سال نیز سومالی از اوضاع نابسامان داخلی اتیوپی استفاده کرد. به دنبال تشدید جنگ داخلی در اتیوپی از سوی جبهه آزادیبخش اریتره، بخش‌های عمده اریتره به تصرف این جبهه درآمد و اسمره مرکز اریتره در محاصره قرار گرفت. شکست‌های پی‌درپی ارتش اتیوپی از جبهه آزادیبخش اریتره، آن کشور را در وضع بسیار آسیب‌پذیری قرار داده بود. از سوی دیگر، سومالی برخلاف اتیوپی شرایط بسیار مساعدی داشت و در آن زمان مهم‌ترین متحد آمریکا در شاخ آفریقا به‌شمار می‌رفت. سومالی براساس قراردادی که در سال ۱۹۸۰ با آمریکا منعقد کرده بود، در مقابل واگذاری تسهیلات بندر «بربره» و تأسیسات هوایی مگادیشو به آمریکا، از آن کشور کمک‌های نظامی دریافت می‌کرد.^{۱۴} حمایت‌های نظامی و سیاسی آمریکا از سومالی، این کشور را برای اشغال اوگادن تشویق کرد. سومالی ابتدا شروع به حمایت از «جبهه آزادیبخش سومالی غربی» کرد.^{۱۵} این جبهه برای تجزیه اوگادن با دولت اتیوپی مبارزه می‌کرد. اتیوپی نیز در مقابل دست به حمایت از مخالفان «زیادباره» رئیس‌جمهوری سومالی زد. این مسایل سرانجام در سال ۱۹۸۰ منجر به جنگ بین دو کشور شد. اما این بار نیز سومالی در رسیدن به هدف خود که تصرف اوگادن بود با ناکامی روبرو گردید.

با میانجیگری جیبوتی، رهبران اتیوپی و سومالی در ژانویه ۱۹۸۶ برای نخستین بار پس از ۱۰ سال ملاقات کردند و در مارس ۱۹۸۸ دوباره با یکدیگر دیدار نمودند. به دنبال آن دو کشور موافقت‌نامه‌ای امضاء کردند که براساس آن قرار شد دو طرف نیروهای نظامی خود را از مرزهای مشترک فراخوانند و اسرا را مبادله کنند.^{۱۶} هرچند در این موافقتنامه اشاره‌ای به اختلاف‌های ارضی دو کشور در مورد صحرای اوگادن نشده اما گزارش‌هایی وجود دارد که دو کشور در این باره یک موافقتنامه سری امضاء کرده‌اند و براساس آن سومالی از ادعای خود نسبت به اوگادن صرف‌نظر کرده است.^{۱۷} در پی آن، دو کشور نیروهای خود را از مرزهای مشترک فراخوانند و زندانیان یکدیگر را آزاد کردند.

منازعات سومالی و اتیوپی

اتیوپی و سومالی در مورد منطقه «اوگادن» با یکدیگر اختلاف دارند. این اختلاف تاکنون ۳ بار منجر به جنگ و برخورد نظامی بین نیروهای دو کشور به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۷، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۶ شده است. منطقه اوگادن که قسمت عمده آن را صحرا تشکیل می‌دهد جزو خاک اتیوپی است. سومالی نسبت به این منطقه ادعای ارضی دارد و تاکنون تلاش‌های متعددی با حمایت برخی از کشورها برای اشغال این منطقه به عمل آورده است.

نخستین جنگ بین سومالی و اتیوپی برای تصرف اوگادن در ۱۹۷۷ روی داد. در آن زمان سومالی از بی‌ثباتی سیاسی که در اتیوپی به وجود آمده بود، حداکثر بهره‌برداری را کرد. در سپتامبر ۱۹۷۴ «هایله‌سلاسی» امپراتور اتیوپی که طرفدار آمریکای بود، سرنگون گردید. به دنبال آن، اتیوپی گرفتار دوره بی‌ثباتی سیاسی و اختلافات داخلی شد. پس از «هایله‌سلاسی»، قدرت را نظامیان به دست گرفتند و شورایی به نام «شورای نظامی» (درگ) برای اداره کشور تشکیل دادند. رئیس این شورا ژنرال «امان اندوم» بود که در میان ارتشیان و جبهه خوبی نداشت و سرانجام در ۱۹۷۵ در خانه مسکونی خود به قتل رسید. پس از آن، ژنرال تفری بنتی جانشین وی شد. به دنبال آن اختلاف در میان اعضای «درگ» افزایش یافت و نظامیان به دو گروه تقسیم شدند. هر یک از آنها سعی می‌کرد گروه دیگر را از صحنه سیاست اتیوپی کنار بگذارد. این مسأله منجر به قتل ژنرال بنتی و سایر فرماندهان شورای نظامی شد. در پی آن سرهنگ «هایله‌ماریام» قدرت را به دست گرفت. از سوی دیگر، رقابت قدرتهای بزرگ در شاخ آفریقا نیز به اختلافات سومالی و اتیوپی دامن می‌زد. تا سال ۱۹۷۴ آمریکا از اتیوپی و شوروی سابق از سومالی حمایت می‌کردند، اما پس از سقوط «هایله‌سلاسی»، دولت اتیوپی که سیاست‌های سوسیالیستی در پیش گرفته بود، به شوروی سابق گرایش پیدا کرد. این مسأله سبب سردی روابط سومالی با شوروی شد. در نتیجه سومالی روابط خود را با آمریکا گسترش داد و تسهیلاتی را که در بندر بربره و مگادیشو در اختیار شوروی قرار داده بود، در اختیار آمریکا گذاشت. اتیوپی نیز تسهیلاتی در جزیره «دهلک» و بندر عصب در دریای سرخ به نیروی دریایی شوروی واگذار کرد. این مسأله سبب شد که در جریان جنگ اوگادن آمریکا از سومالی حمایت کند و شوروی از اتیوپی.

این تحولات موجب قطب‌بندی کشورهای منطقه نیز گردید. عربستان، مصر و ایران در کنار سومالی قرار گرفتند؛ یمن جنوبی، لیبی و کویا نیز به صف طرفداران اتیوپی پیوستند. سومالی برای این که در جنگ اوگادن از حمایت کشورهای عربی برخوردار شود در ۱۹۷۴

از سال ۱۹۸۹، به دنبال برکناری «محمد زیدباره» رئیس جمهور سومالی، آن کشور گرفتار جنگ داخلی شد. جنگ بین دو گروه رقیب عمده یکی «اتحادیه ملی سومالی» و دیگری «اتحاد برای نجات سومالی» جریان دارد. در سال ۱۹۹۰ ژنرال «محمد فرح عیدید» رهبر «اتحادیه ملی سومالی» خود را به عنوان کفیل ریاست جمهوری معرفی کرد و با تکیه بر برتری‌های نظامی خود کوشید قدرت را به طور کامل در دست گیرد. اما به علت مقاومت شدید گروه رقیب، نتوانست به هدف خود برسد. به دنبال آن، وی اقدام به تشکیل دولت مستقلی در جنوب مگادیشو نمود که از سوی کشورهای دیگر به رسمیت شناخته نشد. «محمد فرح عیدید» حتی برای این که بخشی از آرای مردم را به دست آورد، شروع به اجرای احکام شریعت اسلامی در بخش تحت کنترل خود نمود. او در درگیری‌های جنوب مگادیشو در ۱۹۹۶ کشته شد و فرزند سی و پنج ساله‌اش به نام «حسین عیدید» جانشین او گردید. از سوی دیگر، «علی مهدی محمد» رهبر «اتحاد برای نجات سومالی» نیز دولت مستقلی در شمال مگادیشو تشکیل داده است. این گروه متشکل از جناح‌هایی مانند «کنگره وحدت سومالی»، «اتحاد ملی سومالی» و «جنبش میهنی سومالی» است. به این ترتیب «اتحاد برای نجات سومالی» از نیرومندترین گروه‌های سومالی است. «علی مهدی محمد» نیز برای جلب آرای مردم به اجرای احکام شریعت اسلامی پرداخته است. جنگ بین این دو گروه تاکنون باعث کشته شدن تقریباً ۵۰۰ هزار نفر و آوارگی صدها هزار نفر از مردم سومالی گردیده است. گرسنگی و مرگ ناشی از آن یکی دیگر از پیامدهای جنگ داخلی بوده است. تنها در ۹۲-۱۹۹۱ حدود ۳۵۰ هزار نفر از گرسنگی جان داده‌اند.

در جنگ داخلی سومالی، دولت اتیوپی در برابر جناح‌های مختلف درگیر موضع بیطرفی اتخاذ کرد، با این حال از پیامدهای این جنگ در امان نماند. در سال‌های اولیه جنگ داخلی بیش از ۷۵۰ هزار نفر سومایلیایی برای فرار از جنگ وارد اتیوپی شدند و این آوارگان و پناهندگان مشکلات زیادی برای دولت فقیر اتیوپی به وجود آوردند. دولت اتیوپی به آمریکا اجازه داد تا از فضای کشورش و نیز فرودگاه‌های آن برای ارسال کمک‌های بشر دوستانه و مواد غذایی به سومالی استفاده کند.

با تلاش‌های اتیوپی، در ژانویه ۱۹۹۳ مذاکراتی بین جناح‌های درگیر جنگ داخلی سومالی تحت نظارت سازمان ملل متحد در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی برگزار شد. در این مذاکرات طرفین در مورد برقراری آتش‌بس موافقت کردند. همچنین با میانجیگری اتیوپی در سپتامبر ۱۹۹۳ یک کنفرانس آشتی ملی با شرکت طرف‌های اصلی بحرانی در آدیس آبابا برگزار گردید که موفق به حل اختلاف جناح‌های درگیر نشد.

با ادامه جنگ داخلی در سومالی، بحرانی به مرزهای اتیوپی نیز

کشیده شد. جنبش «اتحاد اسلامی سومالی» که در ۱۹۹۰ در لندن تشکیل شد، مبارزه با دولت اتیوپی در اوگاندا را آغاز کرد. این گروه از سودان کمک دریافت می‌کند. تعدادی از اعضای این گروه در جنگ‌های داخلی افغانستان شرکت کرده و آموزش دیده‌اند. «اتحاد اسلامی سومالی» در شمال شرقی و جنوب شرقی سومالی در اوگاندا فعال است و متشکل از مسلمانان اصول‌گرای سومالی است. «اتحاد اسلامی» در اوت ۱۹۹۶ بیانیه‌ای انتشار داد و اعلام کرد که نبردهای بین این گروه و نیروهای اتیوپی در مرزهای دو کشور روی داده است. نبردها در اطراف شهرهای مرزی «لوق»، «دولو» و «حاوا» بوده است. طرفین در این درگیری‌ها از تانک و هواپیما استفاده کرده‌اند. دامنه برخوردها تا مرزهای کنیا نیز ادامه یافت و بر اثر پرتاب گلوله‌های توپ چند نفر از افسران ارتش کنیا کشته و زخمی شدند. در سپتامبر ۱۹۹۶ نیز نیروهای اتیوپی به یکی از پایگاه‌های این گروه در غرب سومالی حمله کردند و تعدادی از اعضای آن را کشتند.

در اواخر دسامبر ۱۹۹۶ نبرد بین نیروهای «جنبش اتحاد اسلامی سومالی» و اتیوپی از سر گرفته شد. نیروهای «اتحاد اسلامی» پس از تجدید قوا، در صدد تصرف شهر «دولو» برآمدند که در نتیجه آن بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای طرفین کشته شدند. نیروهای اتیوپی ضمن عقب‌راندن نیروهای «اتحاد اسلامی سومالی» همچنان کنترل شهر «دولو سومالی» و «دولو اتیوپی» را در دست دارند و از پل رابط این دو شهر سخت محافظت می‌کنند.

منازعات اریتره و یمن

اریتره و یمن در جنوب دریای سرخ و نزدیک باب‌المندب به فاصله ۲۶ مایلی از هم قرار گرفته‌اند و با یکدیگر روابط تاریخی دارند. مردمان آنها از دیرباز به کشورهای یکدیگر رفت‌وآمد داشته‌اند یا مهاجرت می‌کرده‌اند. یمن در جریان مبارزات استقلال طلبانه مردم اریتره به این کشور کمک می‌کرد و اولین کشوری بود که اسلحه در اختیار مبارزان اریتره قرار داد. «جبهه آزادیبخش اریتره» در یمن دارای دفتر بود و از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸ از حمایت یمن برخوردار می‌شد. اما به دنبال تغییر حکومت در اتیوپی و روی کار آمدن دولت مارکسیستی، یمن کمک‌های خود را به جبهه پادشاه قطع کرد و دفتر این جبهه در عدن بسته شد. در مقابل، روابط یمن (یمن جنوبی سابق) با اتیوپی گسترش یافت. یمن شمالی سابق نیز به علت وجود تعداد زیادی از اتباع خود در اتیوپی، تمایل زیادی به حمایت از مبارزان اریتره نشان نمی‌داد.

در آغاز دهه ۱۹۹۰ تغییرات مهمی روی داد که بر روابط دو کشور اثر گذاشت. در سال ۱۹۹۰ یمن شمالی و جنوبی کشور یکپارچه یمن را به وجود آوردند. مبارزان اریتره نیز در ۱۹۹۱ به پیروزی رسیدند و استقلال خود را اعلام کردند. دولت مارکسیستی اتیوپی هم در همین

سال سقوط کرد.

پس از تشکیل دولت موقت اریتره، روابط سیاسی بین دو کشور گسترش یافت. «ایسایاس افوار کی» رئیس جمهور اریتره در سال ۱۹۹۲ از یمن دیدار کرد و در جریان این دیدار از دولت یمن خواست به آوارگان «عفاری» که به این کشور پناهنده شده و در آن به سر می بردند اجازه فعالیت سیاسی ندهد. در جریان جنگ داخلی اریتره در ۸۲-۱۹۸۱ بسیاری از آوارگان عفاری به یمن پناهنده شدند. پس از سقوط «هاله مار یام» نیز حدود ۶۰۰ هزار نفر که تعداد زیادی سر باز در میان آن‌ها دیده می شد به یمن فرار کردند. اریتره به کشورهای عرب از جمله یمن و عربستان سوءظن دارد و تصور می کند که آن‌ها از جنبش چریکی عفارها برای ایجاد یک کشور عفار در جیبوتی حمایت می کنند تا دوست دیگری برای خود در دریای سرخ به وجود آورند. ایجاد چنین کشوری بر اریتره، اتیوپی و جیبوتی بسیار اثر می گذارد، زیرا عفارها در هر ۳ کشور پراکنده اند. به هر حال دولت یمن با درخواست اریتره موافقت کرد و اطمینان داد که به عفارها اجازه فعالیت سیاسی نخواهد داد. در جریان این سفر یمن همچنین از استقلال اریتره حمایت کرد، در حالی که قبلاً اعلام کرده بود تنها کشور یکپارچه اتیوپی را به رسمیت می شناسد.

«ایسایاس افوار کی» رئیس جمهور اریتره در ۱۹۹۳ دوباره از یمن دیدار کرد و به دنبال آن یک موافقتنامه همکاری نظامی - امنیتی درباره مراقبت از کشتیرانی در باب المندب میان آنها به امضا رسید. در ژانویه ۱۹۹۴ نیز «ایسایاس افوار کی» رئیس جمهور اریتره به یمن مسافرت کرد و با «علی عبدالله صالح» رئیس جمهور یمن ملاقات و گفتگو نمود. در جریان این سفر دو کشور چند قرارداد همکاری در زمینه های امنیتی - اقتصادی و فنی امضا کردند.

اما در سال ۱۹۹۵ با اشغال جزیره حنیس بزرگ بوسیله اریتره روابط دو کشور به شدت بحرانی شد. این جزیره بخشی از مجمع الجزایر حنیس است که در جنوب دریای سرخ در نزدیکی باب المندب (دروازه اشک‌ها) واقع شده است. مساحت این مجمع الجزایر آتش فشانی در حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع است و شامل ۳ جزیره به نام های حنیس بزرگ، حنیس کوچک و زقر است. جزیره حنیس بزرگ در جنوب غربی مجمع الجزایر حنیس قرار دارد و از شمال شرق به جنوب غربی امتداد یافته است. حنیس بزرگ از سوی شمال شرقی در حدود ۸۰ کیلومتر از سواحل جنوبی یمن و از سوی جنوب غربی ۹۰ کیلومتر از سواحل شمالی اریتره فاصله دارد. مساحت این جزیره تقریباً ۶۸ کیلومتر مربع است و ۱۳۳۵ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد. جزیره حنیس کوچک در حدود ۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و در ۲۰ کیلومتری حنیس بزرگ واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۲۷ فوت است. جزیره حنیس کوچک از نظر کنترل باب المندب اهمیت استراتژیک دارد و فاقد سکنه است. جزیره زقر در فاصله ۲۹ کیلومتری

نتیجه گیری

سواحل یمن و ۹۹ کیلومتری سواحل اریتره واقع شده است. مساحت آن ۸۵ کیلومتر مربع و بلندترین نقطه اش از سطح دریا ۶۲۵ متر است. این جزیره دارای خلیج های متعدد، سواحل شنزار و برای سکونت مناسب است. جزیره زقر که جبل زوقر نیز نامیده می شود، در نزدیکی جزیره «ابوعیل» واقع است و فاصله این دو جزیره که در حدود ۲/۵ الی ۳/۵ مایل دریایی است، تنها راه عبور کشتی ها از منطقه است.

اطلاعات زیادی درباره سابقه تاریخی این جزایر در دست نیست؛ گفته می شود که پیش از استقلال یمن تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بوده است. بر همین اساس یمن ادعا می کند که مجمع الجزایر حنیس از دوران عثمانی ها به این کشور به ارث رسیده است. اریتره درباره ادعای خود نسبت به این جزایر به شواهد تاریخی پس از امپراتوری عثمانی و دوران اشغال ایتالیا، انگلیس و اتیوپی استناد می کند. اتیوپی تا پیش از استقلال اریتره بر اساس پروتکل امضا شده میان انگلیس و ایتالیا در سال ۱۹۳۸ بر مجمع الجزایر حنیس ادعای مالکیت داشت. بر اساس این پروتکل مقام های ایتالیایی به منظور حفاظت از ماهیگیری که در اریتره به فعالیت اشتغال داشتند در جزایر حنیس مستقر شدند. پس از آن دولت انگلیس تا چند سال مسئول نگهداری فانوس دریایی در این منطقه بود؛ اما پس از مدتی فعالیت این دو برج مراقبت متوقف شد و یمن به منظور اثبات مالکیت خود، یک فانوس دریایی دیگر در جزیره زقر احداث کرد.

با استقلال اریتره، اختلاف دو کشور درباره مجمع الجزایر دوباره آغاز گردید. اریتره در سال ۱۹۹۲ اقدام به بازرسی کشتی های یمن و بازداشت ماهیگیران آن کشور در آب های اطراف این جزیره نمود. پس از آن مقامات اریتره خواستار امضای موافقتنامه ای درباره چگونگی کار ماهیگیران دو کشور شدند. اما تجدید اختلافات مرزی یمن و عربستان در این سال، اجازه بررسی بیشتر این موضوع را به رهبران یمن نداد. ۳ سال بعد، یک هیأت اریتره ای برای انجام گفتگو با مقامات یمنی در این باره در نوامبر ۱۹۹۵ وارد صنعا شد. این نخستین دور مذاکرات بین دو کشور در این خصوص بود. دور دوم مذاکرات در دسامبر ۱۹۹۵ در اسمره انجام شد و طرفین توافق کردند که دور سوم گفتگوها را در اواخر فوریه ۱۹۹۶ برگزار کنند. اما اقدام اریتره در پیاده کردن نیروهای نظامی خود در جزیره حنیس بزرگ سبب توقف مذاکرات شد.

در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۵ یک مقام نیروی دریایی اریتره همراه نیروهای مسلح خود وارد جزیره حنیس بزرگ شد. وی نامه ای به امضای خود به نیروهای یمنی مستقر در جزیره داد که در آن ادعا شده بود جزیره متعلق به اریتره است و از نیروهای یمنی خواسته بود آن را ترک کنند. با خودداری نیروهای یمنی، درگیری آغاز شد که طی آن ۳۲ نفر از جمله ۲۰ نفر از نیروهای یمنی کشته شدند و تعدادی نیز به اسارت درآمدند. به دنبال آن، یمن خواستار خروج نیروهای اریتره از این جزیره شد و اعلام کرد که در غیر این صورت با این تجاوز مسلحانه، مقابله خواهد

کرد. پس از آن، جت‌های جنگی یمن ناوهای جنگی اریتره را در دریای سرخ مورد حمله قرار دادند. ناوهای جنگی اریتره نیز جزیره حنیش بزرگ را گلوله‌باران کردند. بالاخره نیروهای اریتره کنترل جزیره حنیش بزرگ را در دست گرفتند و خواستار گفتگو با یمن درباره جزایر مورد اختلاف شدند.

«علی عبدالله صالح» رئیس‌جمهور یمن ۳ شرط برای از سرگیری گفتگوها مطرح کرد: خروج نیروهای اریتره از جزیره حنیش بزرگ؛ آزادی یمنی‌هایی که در این جزیره به اسارت درآمده بودند؛ و آغاز گفتگوهای دوجانبه برای تعیین مرزهای دریایی دو کشور براساس قوانین و پیمان‌های بین‌المللی.^{۱۸}

چند روز بعد نیروهای اریتره به جزیره زقر که تحت کنترل نیروهای یمنی بود حمله کردند. نیروهای اریتره قصد تصرف جزیره را داشتند که با آتش سنگین نیروهای یمنی مستقر در جزیره روبرو شدند و ناگزیر بازگشتند.^{۱۹} همزمان روزنامه‌های یمن هشدار دادند که این کشور می‌تواند برای بازپس‌گیری جزیره حنیش بزرگ از نیروهای نظامی استفاده کند. روزنامه‌الثوره که دیدگاه‌های دولت یمن را منعکس می‌کند در این مورد نوشت انتخاب راه‌حل صلح‌آمیز ناشی از ضعف صنعا نیست، بلکه هر زمان که لازم باشد برای بازپس‌گیری این جزیره می‌تواند به نیروی نظامی متوسل شود. روزنامه‌الجمهوریه نیز نوشت یمن تاکنون از توسل به زور اجتناب کرده است زیرا نمی‌خواهد تردد کشتی‌ها در دریای سرخ به خطر افتند. مجلس یمن حمله اریتره به جزیره حنیش بزرگ را محکوم کرد و مسئولیت هر گونه آسیب به کشتیرانی در دریای سرخ را بر عهده اسمره دانست.

با تصرف جزیره حنیش بزرگ از سوی اریتره، دولت یمن نامه‌ای به‌شورای امنیت نوشت و طی آن حمله ارتش اریتره به پست مرزی خود در جزیره حنیش بزرگ را تجاوز آشکار به حاکمیت و تمامیت ارضی یمن و تهدیدی جدی نسبت به امنیت کشتیرانی در دریای سرخ خواند و آن را به شدت محکوم کرد. براساس درخواست دوطرف، پطرس‌غالی دبیرکل سازمان ملل متحد در اواخر دسامبر ۱۹۹۵ از یمن و اریتره دیدار کرد. وی در این سفر تلاش کرد دو کشور را ترغیب نماید تا اختلاف‌های خود را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. دولت اتیوپی نیز تلاش‌هایی برای میانجیگری به عمل آورد. «ملس زناوی» نخست‌وزیر اتیوپی از هر دو کشور دیدار و باروسای جمهوری آن‌ها گفتگو نمود. در پی آن، دو کشور در خصوص غیرنظامی کردن جزیره حنیش بزرگ و تعیین حدود مرزی آن موافقت کردند. همچنین دولت اریتره ۱۰۵ سرباز یمنی را که در جزیره حنیش بزرگ به اسارت گرفته بود، آزاد کرد.

با گذشت یک سال از اشغال جزیره حنیش بزرگ، پارلمان یمن با انتشار بیانیه‌ی شدیداللحنی خطاب به دولت، هر گونه سازش با اریتره را درباره جزیره حنیش بزرگ رد کرد. مجلس یمن در این بیانیه دولت آن

کشور را مسئول هر گونه سستی یا هدر دادن بخشی از سرزمین یمن اعلام نمود. به موازات آن افکار عمومی نیز در یمن به دولت فشار آوردند که با توسل به زور نیروهای اریتره را از جزیره حنیش بزرگ بیرون کند. یکی از مشاوران «علی عبدالله صالح» گفت: «مردم از اریتره خشمگینند، اما از دولت یمن نیز خشم دارند. مردم می‌خواهند یمن مقابله به‌مثل کند و جزیره حنیش بزرگ را پس گیرد. خشم در محافل عمومی یمن آشکار است و مطبوعات دولت را متهم می‌کنند که در مورد این مسأله حقیقت را نمی‌گوید.»^{۲۰} به‌عنوان مثال، هفته‌نامه مستقل الایام در انتقاد از دولت نوشت: «ما در این باره دروغ زیاد شنیده‌ایم. به ما بگوئید در جزیره حنیش بزرگ چه گذشته است.»

دولت یمن اعلام کرد که در تصمیم خود برای پس گرفتن جزیره حنیش بزرگ مصالحه‌ناپذیر است، اما خاطر نشان کرد که راه‌حل نظامی در حال حاضر منتفی است. «علی عبدالله صالح» گفت: «ما برای پس گرفتن حنیش بزرگ زیر فشار هستیم، اما نمی‌خواهیم جنگی بی‌فایده را دنبال کنیم و مصمم هستیم منطقه و دریانوردی بین‌المللی را دور از هر گونه تنش قرار دهیم.»^{۲۱} به گفته مشاور رئیس‌جمهور یمن این کشور یکی از فقیرترین کشورهای جهان است و ترجیح می‌دهد به جای سرمایه‌گذاری در جنگ، آن را صرف توسعه کشورش کند.

از سوی دیگر، حمله نظامی شانس یمن را برای دریافت کمک مالی بین‌المللی برای اصلاحات اقتصادی که از سال ۱۹۹۴ زیر نظر صندوق بین‌المللی پول آغاز شده بود، از بین می‌برد. یمن امیدوار بود که دست کم ۶۰۰ میلیون دلار کمک دریافت کند. یمن خود را برای گردهم‌آیی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ژانویه در لاهه آماده می‌کرد. بعلاوه یمن به میانجیگری‌های بین‌المللی برای متقاعد کردن اسمره به عقب‌نشینی از جزیره حنیش بزرگ امیدوار بود.

در ژانویه ۱۹۹۶ اعلام شد که اریتره از درخواست خود مبنی بر ارجاع اختلاف دو کشور به دیوان بین‌المللی دادگستری صرف نظر کرده و موافقت نموده که این اختلاف به مرجع حکمیتی که دو کشور برمی‌گزینند، ارجاع گردد. اریتره همچنین با اصل گفتگو با یمن درباره تعیین حدود مرزهای دریایی دو کشور بر مبنای کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) موافقت کرد، اما درخواست یمن مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از جزیره حنیش بزرگ را به‌عنوان پیش‌شرط مذاکرات نپذیرفت. افزون بر آن، اریتره خواستار تعیین آغازگر جنگ شد. یمن اریتره را به آغاز تجاوز متهم کرده بود، اما اریتره این ادعا را نمی‌پذیرفت. «ایسایاس افوار کی» در این باره گفت: «برای تحقیق در مورد طرف آغازکننده تجاوز، اریتره خواهان تشکیل کمیته‌ای مستقل برای این موضوع است.»

همزمان، دو کشور یکدیگر را متهم به تقویت نیروهای خود در جزایر حنیش کردند. به دنبال افزایش نیروهای اریتره در جزیره حنیش

بزرگ، یمن نیز ۵۰۰ سرباز در این جزیره مستقر کرد. جنگنده‌های دو کشور برفراز جزایر حنیش به پرواز درآمدند و دولت اریتره، یمن را متهم کرد که برای جنگ با اریتره آماده می‌شود و در این راستا به بسیج نیرو در این کشور اشاره کرد. اما به طوری که گفته شد، یمن تمایلی به درگیری نظامی با اریتره نداشت. همین امر بر جسارت اریتره افزود و نیروهای آن کشور در ۱۰ اوت ۱۹۹۶ جزیره حنیش کوچک را نیز تصرف کردند.

پس از شکست طرح تجزیه یمن، برخوردهای مرزی دو کشور تشدید شد. در فوریه ۱۹۹۵ درگیری‌های سختی بین نیروهای دو کشور روی داد و بیش از ۵۴ نفر کشته شدند. این برخوردها در پی ایجاد پست‌های دیده‌بانی و احداث راه در عمق خاک یمن در استان «السعد» توسط عربستان روی داد. «علی عبدالله صالح» رئیس‌جمهور یمن طی تظقی در استان حضرموت به عربستان سخت حمله کرد و گفت: «برضد مردم یمن توطئه کرده‌اند و از ایجاد قحطی و انفصال و جنگ و تصرف اراضی استفاده می‌کنند که اصلاً برای ملت ما قابل قبول نیست. ما در جریان جنگ داخلی گفتیم که تجزیه را نمی‌پذیریم و امروز نیز می‌گوییم که نمی‌تواند خاک ما را تصرف کنند. از آن‌ها می‌خواهیم در امور داخلی‌مان مداخله نکنند... ما در نقشه جغرافیایی وجود داریم و ملت ما ملتی تاریخی است و کشورمان از دیرباز وجود داشته، نه از ۶۰ سال پیش [خطاب به عربستان] و کسی نمی‌تواند ما را از نقشه جغرافیایی بزاید»^{۲۲}

با تشدید بحران، شورای امنیت سازمان ملل متحد در اوت ۱۹۹۶ بیانه‌ای در محکومیت اریتره صادر کرد و نگرانی شدید ۱۵ عضو شورای امنیت را از تحولات خطرناک جاری در دریای سرخ اعلام نمود. شورا دو کشور را به حداکثر خویشتن‌داری و رعایت توافقنامه پاریس فراخواند. سرانجام با تلاش‌های میانجیگرانه «فرانسیس گوتمان» فرستاده فرانسه، نیروهای اریتره از جزیره حنیش کوچک خارج شدند. درباره جزیره حنیش بزرگ نیز موافقتنامه‌ای در مه ۱۹۹۶ در پاریس بین طرفین به امضا رسید که بر اساس آن موافقت شد اختلاف به یک دادگاه داوری بین‌المللی ارجاع شود و هر دو کشور حکم صادره این دادگاه را بپذیرند؛ دو کشور همچنین توافق کردند از توسل به زور خودداری و مسأله تعیین مرزهای دریایی خود را با روش مسالمت‌آمیز پیگیری نمایند.

برای جلوگیری از بروز جنگ بین عربستان و یمن، تلاش‌هایی از سوی برخی کشورها صورت گرفت. این تلاش‌ها منجر به امضای یک یادداشت تفاهم بین یمن و عربستان در فوریه ۱۹۹۵ شد. این یادداشت تفاهم ۱۱ ماده دارد. در نخستین ماده عربستان و یمن بر قانونی و الزامی بودن پیمان طایف ۱۹۳۴ تأکید کرده‌اند. سایر ماده‌ها متضمن تشکیل کمیته‌های مشترک برای نظارت بر علامت‌گذاری بخشی از مرز و پیگیری مذاکرات مربوط به تعیین باقیمانده مرز و تشکیل یک کمیته وزارتی برای گسترش روابط اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی بین دو کشور است. یک هیأت عالی نیز برای نظارت بر جلوگیری از هرگونه اقدام نظامی در مرز دو کشور تشکیل می‌شود. بعلاوه، در یادداشت تفاهم یک کمیته عالی مشترک برای نظارت بر کار سایر کمیته‌ها و تسهیل مأموریت آن‌ها و برطرف کردن مشکلات احتمالی پیش‌بینی شده است.^{۲۴}

نشریه التجمّع ارگان «حزب تجمّع برای وحدت یمن» که مهمترین حزب مخالف کشور است، این یادداشت تفاهم را تازدی تازه‌ای برای ملت یمن دانست. این نشریه نوشت: «یادداشت تفاهم مگه بخشی از خاک یمن را به عربستان واگذار می‌کند». التجمّع افزود ملت یمن و نیروهای سیاسی با تمام توان از تصویب این قرارداد بوسیله پارلمان یمن جلوگیری خواهند کرد.

اما «علی عبدالله صالح» رئیس‌جمهور یمن در سفر خود به عربستان در ژوئن ۱۹۹۵ گفت: «قرارداد طایف مصوب ۱۹۳۴ به طور

بزرگ، یمن نیز ۵۰۰ سرباز در این جزیره مستقر کرد. جنگنده‌های دو کشور برفراز جزایر حنیش به پرواز درآمدند و دولت اریتره، یمن را متهم کرد که برای جنگ با اریتره آماده می‌شود و در این راستا به بسیج نیرو در این کشور اشاره کرد. اما به طوری که گفته شد، یمن تمایلی به درگیری نظامی با اریتره نداشت. همین امر بر جسارت اریتره افزود و نیروهای آن کشور در ۱۰ اوت ۱۹۹۶ جزیره حنیش کوچک را نیز تصرف کردند.

با تشدید بحران، شورای امنیت سازمان ملل متحد در اوت ۱۹۹۶ بیانه‌ای در محکومیت اریتره صادر کرد و نگرانی شدید ۱۵ عضو شورای امنیت را از تحولات خطرناک جاری در دریای سرخ اعلام نمود. شورا دو کشور را به حداکثر خویشتن‌داری و رعایت توافقنامه پاریس فراخواند.

سرانجام با تلاش‌های میانجیگرانه «فرانسیس گوتمان» فرستاده فرانسه، نیروهای اریتره از جزیره حنیش کوچک خارج شدند. درباره جزیره حنیش بزرگ نیز موافقتنامه‌ای در مه ۱۹۹۶ در پاریس بین طرفین به امضا رسید که بر اساس آن موافقت شد اختلاف به یک دادگاه داوری بین‌المللی ارجاع شود و هر دو کشور حکم صادره این دادگاه را بپذیرند؛ دو کشور همچنین توافق کردند از توسل به زور خودداری و مسأله تعیین مرزهای دریایی خود را با روش مسالمت‌آمیز پیگیری نمایند.

منازعات عربستان و یمن

یمن و عربستان از دیرباز با یکدیگر اختلاف‌های مرزی و ارضی دارند.^{۲۲} اما در سال ۱۹۹۸ تصرف ۲ جزیره یمن در دریای سرخ توسط عربستان به اختلاف‌های آنها دامن زد. مرزهای عربستان و یمن تاکنون نه روی نقشه تحدید شده است نه روی زمین و این تنها مرز در خاورمیانه است که چنین ویژگی دارد. علت این امر وسعت دامنه اختلاف‌های دو کشور بوده است. یمن نسبت به ۳ استان عسیر، نجران و جیزان که در تصرف عربستان است، ادعای ارضی دارد. این استان‌ها به موجب پیمان طایف ۱۹۳۴ به مدت ۲۰ سال به عربستان واگذار شد. این پیمان در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۷۴ نیز تمدید گردید. عدم تحدید مرزها بارها سبب برخوردهای مرزی بین دو کشور شده است.

وحدت یمن و جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰ به اختلاف‌های دو کشور دامن زد. وحدت یمن در ۱۹۹۰ موجب نگرانی عربستان شد و حمایت یمن از عراق در جنگ خلیج فارس روابط دو کشور را سخت تیره کرد. عربستان به‌عنوان تلافی یک میلیون نفر کارگر یمنی را که در آن کشور کار می‌کردند اخراج کرد. بعلاوه شروع به تحریک قبایل یمن برضد دولت نمود. عربستان در قبایل یمن نفوذ زیادی دارد. بر همین اساس این کشور در سال‌های ۹۳-۱۹۹۰ بزرگترین نقش را با تطمیع

کامل و بدون هیچ تغییری تجدید شده و اساس روابط جدید بین دو کشور قرار خواهد گرفت. ما به عربستان آمده‌ایم تا به یادداشت تفاهمی که در مورد مسایل مرزی دو کشور امضا شده، عمل نمایم. مشکلات قبلی و سوء تفاهم ناشی از جنگ خلیج فارس بر طرف شده است و روابط دو کشور در آینده نزدیک شاهد پیشرفت خواهد بود.»

در اجرای یادداشت تفاهم یادشده کمیته مشترک عربستان و یمن مأمور تعیین خطوط مرزی بین دو کشور، نخستین دور از گفتگوهای خود را در ژوئیه ۱۹۹۵ به پایان رساند. در پایان بیانیه مشترکی انتشار یافت که در آن به توافق‌های انجام شده و برنامه کار دور دوم مذاکرات اشاره شده بود. در سومین نشست کمیته مشترک که در اوایل نوامبر ۱۹۹۵ در صنعا برگزار شد، تصمیم گرفته شد که تعیین مرز بین دو کشور از ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵ آغاز شود. کمیته مشترک چهارمین اجلاس خود را در اواخر دسامبر ۱۹۹۵ برای نظارت بر کار تعیین حدود مرز در ریاض آغاز کرد.

اما کار کمیته مشترک پیشرفت چندانی نداشت. رئیس جمهور یمن ضمن ابراز عدم خرسندی خود اعلام کرد که کمیته مشترک پیشرفتی نداشته و روند کار آن کند است. وی تأکید کرد بهترین راه برای از بین بردن موانع و حل و فصل نهایی این مسأله (اختلاف ارضی) امضای توافقنامه‌ای بین بالاترین مقام‌های دو کشور است.

به دنبال آن بر خوردهای مرزی بین دو کشور از سر گرفته شد. در دسامبر ۱۹۹۵ بر خوردها بین دو کشور در منطقه انحر خیر واقع در نزدیکی مرز عربستان - یمن و عمان روی داد.^{۲۵} این منطقه و بخش‌های عمده‌ای از مرزهای طولانی عربستان و یمن دارای ذخایر نفت و گاز است و دو کشور برای تصاحب آنها تلاش می‌کنند. در پی این بر خوردها، یمن اعلام کرد که عربستان به تحرکات نظامی در مرز مورد مناقشه ادامه می‌دهد.

از سوی دیگر عربستان اعلام کرد که نیروی دریایی اش در حال تمرین با سلاح‌های حقیقی در دریای سرخ در نزدیکی یمن است. این مانور که یک ماه به طول انجامید توسط واحدهای نیروی دریایی عربستان در پایگاه دریایی «جیزان» واقع در نزدیکی خاک یمن صورت گرفت. از سوی دیگر در سال ۱۹۹۶ یمن خواستار پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس شد، اما این درخواست به علت مخالفت عربستان و کویت رد شد. روابط کویت و یمن به دنبال جنگ دوم خلیج فارس تیره شد. کویت موضع یمن را در جریان جنگ حمایت از بغداد تلقی کرد و سفارت یمن در کویت از ۱۹۹۰ بسته شد و روابط کویت با آن کشور در سطح کار دار ادامه یافت.

برای پایان دادن به بن‌بست کار کمیته مشترک تعیین مرز، «عبدالکریم ایریانی» وزیر امور خارجه یمن دوباره در سال ۱۹۹۶ از عربستان دیدار کرد. «نایف بن عبدالعزیز» وزیر کشور عربستان نیز دوبار در چارچوب مسأله تعیین مرزها در سال ۱۹۹۷ از یمن دیدار

نمود. در اوت ۱۹۹۷ هم «حسین محمدعرب» وزیر کشور یمن دوبار به عربستان سفر کرد. این دیدارها برای نزدیک تر شدن دیدگاه‌های دو کشور در زمینه مسایل مرزی انجام گرفت.

اما این دید و بازدیدها نیز بی‌فایده حاصل بود و پس از آن در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۷ بین نیروهای یمن و عربستان در مرز مشترک دو کشور بر خوردهایی روی داد که طی آن ۲ نفر کشته و ۵ زخمی شدند. این درگیری به علت برافراشته شدن پرچم عربستان بر فراز مدرسه روستایی «القرقانی» واقع در ۳۰۰ کیلومتری صنعا روی داد.^{۲۶} برای جلوگیری از تشدید بر خوردها، یک هیأت بلندپایه یمنی در نوامبر ۱۹۹۷ وارد عربستان شد. این هیأت متشکل از «عبدالکریم ایریانی» معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و «حسین عرب» وزیر کشور یمن بود. این هیأت راه‌های پایان دادن به تنش بین دو کشور را با مقامات عربستان مورد بررسی قرار داد. این هیأت هر چند از تشدید بحران جلوگیری کرد، اما درباره تعیین و علامت گذاری مرز، به پیشرفتی نایل نشد. رئیس مجلس یمن در این مورد گفت که گفتگو با عربستان درباره مناقشات مرزی به جایی نرسیده و از شکست گفتگوهای دو کشور ابراز تأسف کرد.

به دنبال آن، عربستان ۲ جزیره متعلق به یمن در دریای سرخ را اشغال کرد. به نوشته هفته نامه یمنی الوجدوی عربستان در ۲۳ مه ۱۹۹۸ جزیره یمنی «دئهوراپ» واقع در آب‌های جنوبی یمن را اشغال کرده و حاضر نیست آن را ترک گوید. به نوشته این هفته نامه عربستان از یمن خواسته است در مقابل تخلیه این جزیره، یمن نیز جزیره «عاشق» در دریای سرخ را تخلیه کند.^{۲۷} اما این مسأله با مخالفت یمن روبرو شده زیرا یمن این جزیره را از زمان‌های بسیار دور جزء تفکیک ناپذیر خاک خود تلقی می‌کند.

در ژوئیه ۱۹۹۸ عربستان یک جزیره دیگر به نام «الدویمه» را در دریای سرخ تصرف کرد. این جزیره پس از یک برخورد نظامی بین نیروهای دو کشور که طی آن حداقل ۳ نفر کشته و ۹ نفر زخمی شدند، به اشغال عربستان درآمد.^{۲۸} جزیره «الدویمه» ۶ کیلومتر مربع وسعت دارد و در فاصله ۲۰۰ الی ۷۰۰ متری سواحل یمن قرار گرفته است. در این برخورد بخشی از تجهیزات و راکت‌های ضد تانک نیروهای یمنی توسط نیروهای عربستان به غنیمت گرفته شد. رئیس جمهور یمن ضمن اعلام این که کشورش قصد جنگ با عربستان ندارد، خواستار خروج نیروهای عربستان از این جزیره شد. در مقابل، شاهزاده نایف وزیر کشور عربستان جزیره «الدویمه» را از آن عربستان دانست و وجود نیروهای نظامی کشورش را در این جزیره قانونی ذکر کرد. «سلطان بن عبدالعزیز» وزیر دفاع عربستان پیشنهاد کرد تا زمانی که مرزهای دو کشور علامت گذاری نشده، نیروهای طرفین از تمام جزایر مورد مناقشه خارج شوند.^{۲۹}

ham, Duke University Press, 1985 p. 532.

14. **Ibid.**

15. **The Europa World Year Book**, 1995, Vol. 1, p.1016.

16. **Country Profile Ethiopia, Eritrea, Somalia, Djibouti**, 1993-94, p.53.

۱۷. اطلاعات، ۳۰ آذر ۱۳۷۴.

۱۸. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سوم، شماره ۱ (زمستان ۱۳۷۵) ص ۳۷۶.

۱۹. اطلاعات (ضمیمه) ۲۵ دی ۱۳۷۴.

۲۰. همان.

۲۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

دکتر اصغر جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴).

۲۲. فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۴) ص ۲۹۳.

۲۳. همان.

۲۴. جعفری ولدانی، پیشین، ص ۲۵۷.

۲۵. ایران، ۲۲ آذر ۱۳۷۴.

۲۶. کیهان، ۹ آذر ۱۳۷۶.

۲۷. جمهوری اسلامی، ۲۰ خرداد ۱۳۷۷.

۲۸. جامعه، ۳۱ تیرماه ۱۳۷۷.

۲۹. سلام، ۳۱ تیرماه ۱۳۷۷.

زیر نویس ها و یادداشت ها:

۱. نام اریتره از کلمه سنیوس ارتریوس به معنای دریای سرخ گرفته شده است. نام اریتره توسط ایتالیایی ها که در سال ۱۸۹۰ این سرزمین را اشغال کردند، بر آن نهاده شد.

2. **The Europa World Year Book**, 1995, Vol.1, p.1105.

3. **EIU, Country Profile Ethiopia/ Eritrea, Somalia, Djibouti**, 1993- 94, pp.44-45.

4. **Ibid.**

5. **Country Report Ethiopia, Eritrea, Somalia, Djibouti**, 4th quarterly, 1993, p.14.

۶. روزنامه جامعه، ۳۱ خرداد ۱۳۷۷.

۷. روزنامه جامعه، ۱۸ خرداد ۱۳۷۷.

۸. جفری هریست «بایداری مرزها در آفریقا»، ترجمه سیروس سعیدی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۳۷ (مرداد - شهریور ۱۳۶۹) ص ۲۶.

۹. همان.

۱۰. کیهان، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۱۱. ایران، ۲۳ خرداد ۱۳۷۷.

۱۲. کیهان، ۱ تیرماه ۱۳۷۷.

13. Jan Clark, "Security in the Indian Ocean Area: Trends and Prospects", in **The Indian Ocean, Prospective on a Strategic Area**, ed. by W.L. Dowdy and R.B. Troad, Dur-



خطر و بازده
ریچارد بریلی

ترجمه دکتر حسین عبده تبریزی - عبدالله کوثری
نشر آگه - قیمت ۶۰۰ تومان



صنعتی شدن و توسعه
گردآورندگان: تام هیویت و ...
ترجمه دکتر طاهره قادری
انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
قیمت ۱۰۰۰ تومان